



## بررسی رابطه دینداری با گرایش ارزشی به بدن (باریک اندامی)

دکتر امیر رستگار خالد<sup>۱</sup>

قاسم مشکینی ساطی<sup>۲</sup>

سجاد مرجانی ریک<sup>۳</sup>

حسین صابر دمیرچی<sup>۴</sup>

### چکیده

بدن و مراقبت‌های مربوط به آن از جمله مقولاتی است که امروز مورد توجه تعداد زیادی از صاحب نظران می‌باشد. بدن جایی است برای معرفی خود، با توجه به عاملیت انسانها در دنیای امروز، باید گفت انسان امروز در برابر بدن خویش هم مسئول است. جهانی شدن و گسترش فرهنگ‌های یکسان جهانی معیارهای زیبایی را برای افراد تغییر می‌دهد، همچنین می‌تواند گرایش‌هایی را که افراد به بدنشان دارد را تحت تاثیر قرار بدهد. بحث از باریک اندامی به عنوان یکی از ایده آل‌های زیبایی قابل بررسی است. نگاه به بدن و ارزش‌هایی که افراد در رابطه با بدنشان دارند تحت تاثیر مولفه‌های گوناگون است. در تحقیق حاضر بین مولفه‌های گوناگون سعی شده است به طور خاص رابطه‌ی دینداری با گرایش‌های ارزشی افراد نسبت به بدنشان و میزان اهمیتی که باریک اندامی قائلند مورد بررسی قرار بگیرد. در این تحقیق با استفاده از روش پیمایش در بین نمونه‌ای 180 نفری از دانشجویان دانشکده‌های هنر، الاهیات، تربیت بدنی دانشگاه تهران انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفت. چارچوب نظری شامل سه فصل گرایش، دینداری و بدن بود که از نظریات گیدنز، فوکو، بوردیو، مازلو، اینگلهارت و گیدنز استفاده شده است. در نهایت علی‌رغم تصور اولیه رابطه دو متغیر وابسته گرایش ارزشی به بدن و باریک اندامی با دینداری رد می‌شود.

واژگان کلیدی: مدیریت بدن، باریک اندامی، دین، گرایش ارزشی، دختران و زنان

<sup>1</sup> - استادیار دانشگاه شاهد تهران

<sup>2</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

<sup>3</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

<sup>4</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد



## مقدمه و بیان مسئله

در یک جامعه پویا و پر تحرک که افراد از خاستگاه و جایگاه اجتماعی همدیگر اطلاعی ندارند، ظاهر، نماد و نشانه‌های خارجی اهمیت زیادی در قضاوت افراد نسبت به یکدیگر دارد. بدن به عنوان وسیله‌ای که نمایشگر هویت افراد است امروزه توجه روز افزون انسان‌ها را به خود جلب کرده است. با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مسئله جذابیت در این دوران استاندارد‌ها و معیارهای جدیدی پیدا کرده است. به گونه‌ای که معیارها و ارزش‌های جدیدی که تحت تاثیر فرهنگ جهانی در درون افراد شکل می‌گیرد گاه ممکن است با نظام ارزشی مسلط بر جامعه همخوانی نداشته باشد (غراب، 1388:11). بافت فرهنگی جامعه ما یک بافت دینی است و این بافت در همه ابعاد زندگی مردم ریشه دوانده است. هنگامی که لاغری به عنوان یک شرایط مطلوب و ایده‌آل تعریف افراد در روابط اجتماعی در انواع رسانه‌ها تبلیغ می‌شود، دختران و زنان در طلب رسیدن به این ایده‌آل تازه ایجاد شده خود را در معرض رژیم‌های سخت غذایی قرار می‌دهند. و در واقع خود را در حساس‌ترین شرایط بدنی از تغذیه سالم و متعادل محروم می‌سازند (احمدنیا، 1384) حال ورود سبک‌ها و شیوه‌های جدید زندگی باعث پدیده‌ی گرایش جوانان به روش‌های مصرف به ویژه مصرف بدن در روابط اجتماعی شده که به عنوان یکی از مسائل جامعه ما نیازمند بررسی می‌باشد. در حالی که بدن به منبعی از سرمایه‌های نمادین تبدیل شده است و به شخص اجازه می‌دهد توسط جمع دیده شود باور‌ها و اعتقادات ما در قالب ارزش‌های دین هویت افراد را نه در نمایش گذاشتن بدن بلکه در حجاب و پنهان نگه داشتن آن می‌داند. با توجه به طرح مسئله مذکور در این پژوهش سعی شده رابطه‌ی گرایش‌های ارزشی به بدن و باریک اندامی را با میزان داری افراد سنجیده شود.

## گرایش و گرایش ارزشی به بدن

گرایش به معنای یک نظام از تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود است. این نظام از تمایلات در طول زمان در پی تاثیرات محیطی و تجربیات شکل می‌گیرد و کم بیش دارای قوام و دوام می‌باشد. (دریور فرولیچ، به نقل از رفیع پور، 1372: 5). در ضمن براساس تعریفی که از گرایش ارائه دادیم می‌توان گفت گرایش ارزشی به این معناست که نظام تمایلات و عقاید یک فرد نسبت به پدیده‌های گوناگون بر اساس چه ارزش‌هایی سازمان می‌یابد. به طور کلی به نظر می‌رسد ارزش‌ها همزمان دارای صبغه عینی و ذهنی باشند. کنشگر در ارتباط با هر امر عینی اعم از فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی و با توجه به خصائص آن به ارزش‌یابی می‌پردازد و این ارزش‌یابی در سوگیری ارزشی وی متجلی می‌گردد. (چلپی، 1385:60) اما آنچه مستقیماً با موضوع سنجش این مقاله در ارتباط است مفهوم –گرایش ارزشی به بدن می‌باشد. گرایش ارزشی به بدن را می‌توان چنین بیان کرد که: تمایلات و اعتقادات فرد نسبت به ظاهر، اندام و بدن خود بر اساس چه ارزش‌هایی شکل گرفته است که بر اساس آن، نوع رفتار فرد با بدن و تصمیمات او در مورد ظاهرش متاثر از این گرایش ارزشی خاص خود خواهند بود. در نهایت باید روی این نکته تاکید کرد که بخش بزرگی از آنچه بر تصمیم کنش گر تاثیر می‌گذارد، ارزش‌ها هستند. ارزش‌ها که به دو دسته‌ی مادی و غیر مادی تقسیم می‌شوند در مرحله‌ی نهایی شکل دهنده‌ی عقاید و خواسته‌هایی هستند که به کنش ختم می‌شوند. (اینگلهارت، بوریرم به نقل از ذکایی، 1386:203)

بدن و جامعه‌شناسی (مروری بر دیدگاه‌های جامعه‌شناسان درباره‌ی بدن)



پیش از ورود به بحث درباره ی جامعه‌شناسی بدن لازم است تعریفی از بدن ارائه دهیم. بدن طبق تعریف عبارت است از کل ساختار مادی یا فیزیکی یک ارگانیسم زنده به ویژه انسانیا حیوان. گیدنز بدن را شی معینی می داند که باید در آن زندگی کنیم. بحث از بدن همواره یکی از بحث های مطرح در تاریخ و اندیشه ی آدمی بوده است، که بیش از مطرح شدن علوم اجتماعی و انسانی، جایگاه این بحث بیشتر در اندیشه های دینی بود. دین در غالب ادیان چیزی مخالف روح و تعالی آن نگارسته می شود. در نتیجه این تقابل و دوگانگی است که بدن و خواسته های آن در ادیان طرد می شود تا جایی برای کمال روح باز شود. (راجعیان، ۱۳۸۵: ۱۱). یکی از مسائلی که در سده ی پیشین زیر سوال رفت همین رابطه دوتایی روح/جسم بود که بدن را وارد گفتمان جدیدی با جایگاه بالا در اندیشه علوم اجتماعی کرد. (اباذری و حمیدی، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

با اینهمه بحث از بدن در اندیشه ی اجتماعی نظریه پردازان کلاسیک اغلب غیر مستقیم و در درون مفهوم سبک زندگی خود را نشان داده است. اگر بپذیریم مارکس در قرن نوزدهم جامعه را بر مبنای تولید طبقه بندی کرد باید گفت وبر در قرن بیستم طبقه را بر مبنای مصرف بخش بندی کرد. در نظر وبر مصرف فرایندی است شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت که بیان کننده تفاوت های منزلتی گروه های اجتماعی می باشد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۱). تورشتن و بلن هم این ایده را مطرح کرده که داشتن سبک خاص به معنای چیزی بیش از علایق خاص فراغت است. داشتن سبک زندگی برای خود نمایی و نشان دادن داشتن تعلق به گروه منزلتی خاص در جامعه و برجسته کردن تمایز های گروه های دیگر است. و بلن در ادامه توضیح می دهد که در جوامع متمدن کنونی مرز طبقات مبهم و متغیر است. در این گونه جوامع متمدن هنجار ها و الگوهای آبرومند از سوی طبقه بالایی وضع و نفوذ خود را بدون کمترین مانعی بر تمام ساختار اجتماعی تا پایین ترین لایه ها گسترش می دهند. در این میان لایه های پایین چون از شهرت و احترام لایه های بالاتر محروم هستند می کوشند لاقدر در ظاهر با قوانین، هنجار ها و سبک مصرفی پذیرفته شده هم نوایی کنند (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳۲). زیمل هم در تحلیل مصرف گرایی جامعه مدرن بر مقوله ای همچون مد تاکید دارد. به نظر او سبک های زندگی از یک سو برای افراد هویت بخش و از سوی دیگر متمایز کننده می باشد، مد با شهر های بزرگ پیوند دارد و چون در شهر های بزرگ افراد از زندگی خصوصی و گذشته ی هم اطلاع ندارند فرصتی را فراهم می کند تا افراد با مصرف کردن هر هویتی را که دوست دارند برای خود بسازند (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۶). زیمل معتقد است مد، در قشر بندی جامعه نقش ایفا می کند و فقط در جوامعی میل به ظهور دارد که به غایت قشر بندی شده اند و این کارکرد دو گانه را دارد که جمع یا محفل مفروضی را با گرد هم آوردن اعضایش حفظ و در همان حال درهای ورود به این محافل را روی دیگران بسته نگاه خواهد داشت. (اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۳). علی رغم توجهی که متقدمین جامعه شناسی به مطالعه بدن داشتند با اینهمه بحث از بدن در قالب جامعه شناسی بدن از اواخر دهه ۱۹۸۰ به صورت مستقیم و مستقل رشد کرد. جامعه شناسی پزشکی که موضوع اصلی مورد مطالعه آن بدن انسان می باشد در شکل گیری جامعه شناسی بدن نقش عمده ای داشته است. به بیان دیگر پزشکی نخستین گفتمان علمی درباره ی فرد است و در تشکیل علوم انسانی نقش مهمی داشته است، زیرا نخستین بار در گفتمان پزشکی بود که فرد و بدن او به عنوان موضوع معرفت اثباتی ظاهر شد. (دریفوس و رابینو به نقل از باقریان، ۱۳۹۰: ۲۲). جامعه شناسی بدن در معنای امروزی آن رشته ای است که به کاوش در چگونگی تاثیر پذیری بدن ما از عوامل و نیروهای اجتماعی می پردازد، به نظر گیدنز یکی از مضامین عمده ی جامعه شناسی بدن مربوط به تاثیر تغییر های اجتماعی بر بدن می شود.

میشل فوکو را می توان یکی از نظریه پردازان برجسته در حوزه ی جامعه شنای بدن دانست. قدرت که در آثار فوکو یکی از واژه های کلیدی محسوب می شود ارتباط تنگاتنگی هم با بدن دارد و بدن را تحت نظارت قدرت در جامعه می داند. در مطالعه تبار شناسانه تاثیر تاریخ بر بدن، بر نظام عصبی، و بر خلق و خو فرد، آشکار می شود که هیچ چیز حتی فیزیولوژی بدن



ما، با ثبات و فارغ از تاثیرات تاریخ نیست. (اسمارت به نقل باقریان. 1390:26) ویژگی مهمی که فوکو برای قدرت قائل است مولد بودن است. به این معنی که قدرت تاسیس کننده بوده و برای ایجاد نوع خاصی از ذهن ها و بدن ها عمل می کند. به نظر فوکو معیاری همچون باریک اندامی که به عنوان معیاری برای جذابیت جسمانی تعریف می شود، ناشی از ایده آل ها و ارزش هایی است که فرهنگ جامعه در روابط قدرت تنیده در آن برای زیبایی تعریف و به افراد می قبولاند(نش به نقل از باقریان. 1390:26) از نظر الیاس فرایند تمدن با بدن هم مربوط می شود. الیاس که در اثر درباره ی ماهیت تمدن سعی می کند به سوی درک و برداشتی رسا از چگونگی ارتباط بین روند تغییر در ساختار روانی و روند روابط اجتماعی حرکت کند اعتقاد دارد جوامع هر قدر متمدن تر می شوند قیود بیشتری بر رفتار های افراد اعمال می کند، که این قیود بر تن و بدن هم اعمال می شود. با گسترش فراین های شکل گیری دولت و نیز طولانی شدن زنجیره ی وابستگی متقابل افراد به یکدیگر، به تدریج زندگی فرد نسبت به سایر افراد (فردیت زدایی) شده و رفتارشان قابل پیش بینی خواهد بود. (استونر. 1385:220) آنچه نظریات الیاس را با موضوع این مقاله پیوند می دهد این است که او اشاره می کند، در فرایند متمدن شدن بسیاری از اعمالی که تا سده ی قبل ناشایست محسوب نمی شده است اکنون باعث شرم می شوند و بالعکس در مورد مسئله باریک اندامی نیز می توان این مسئله را مطرح کرد که چرا در گذشته تناسب اندام به معنای امروز مطرح نبود در حالی که چاقی امروزه به عنوان یک ویژگی منفی و باریک اندامی به عنوان یک امتیاز در ساخت روابط اجتماعی طرح می شود.

یکی از نظریه پردازانی که به صورت مشخص به بحث بدن پرداخته آنتونی گیدنز است. در واقع از نظر گیدنز در عصر مدرن - خود به طرحی تبدیل می شود که باید ایجاد کرد، نه چیزی که سنت یا عادت به طور قطع تبیین کرده است. (کیویستو به نقل از باقریان. 1390: 40) او معتقد است بدن که زمانی جایگاه روح شمرده شده و مرکز نیاز های ناپسند به حساب می آمد، اینک از هر لحاظ در اختیار تاثیرات بازتابی جامعه مدرن قرار گرفته است. بدن در جامعه امروز دارای لایه مرزی - کاملا نفوذ پذیری است که از خلال آن طرح بازتابی خود و نظام های مجردی که در خارج از بدن شکل گرفته اند به طور جاری بر قلمرو آن وارد می شوند، به گونه ای که در فضای بین بدن و محیط خارج بیش از پیش با انواع کتاب ها و جزوه های راهنما سر و کار داریم. (گیدنز. 1387: 305) او در بررسی رژیم غذایی در دوران معاصر با این نکته اشاره می کند که رژیم گرفتن را می توان روایتی خاص از پدیده عام تر دانست که آن تنظیم و کاربرد رژیم های بدن سازی جهت تاثیر گذاری بر تصویری است که هر کس از خویشتن دارد؛ رژیم های بدن ساز در طی دوره ی اخیر تجدد، بدن را در برابر گرایش های بازتابی مداوم، خاصه در شرایط وجود تعدد انتخاب، تاثیر پذیر ساخته است. (همان. 149) در حالت کلی میتوان گفت نظریات گیدنز ارتباط مستقیمی با بحث حاضر دارند. اما بورديو در تحلیل خود از بدن بر خلاف گیدنز به کالایی شدن در جوامع مدرن اشاره می کند، بر اساس نگاه او نوع پوشش افراد می تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه هایی باشد که منجر به متمایز شدن افراد از دیگران می شود. بورديو بر مصرف بدن در جامعه مدرن تاکید گذاشته توضیح می دهد تولید سرمایه ی فیزیکی در گرو رشد و گسترش بدن است، به گونه ای که بدن حامل ارزش در زمینه های اجتماعی می گردد. بدن به عنوان طرحی از جامعه از سرمایه ی فیزیکی در بر دارنده ی منزلت اجتماعی و اشکال نمادین تمایز است. بورديو با در نظر گرفتن بدن به عنوان سرمایه فیزیکی، هویت های افراد را با ارزش های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می سازد. (اخلاصی. 1387). نظریه پردازان فمینیست نیز در خلال مباحث خود بدن زنان را به عنوان یکی از محور های بحث خود مورد بررسی قرار داده اند. باتلر نظریه ی نمایشی جنسیت را مطرح می کند، هدف نظریه ی نمایشی او کنار گذاشتن زنان به منزله ی بنیان سیاست فمینیستی است. به نظر باتلر ایده ی زنان و مردان به منزله ی خویشتن های واحد و متضاد با یک دیگر، توهمی است زاده ی اجراهای مکرر جنسیتی مان. ما بگونه ای ایفای نقش می کنیم که گویی زن یا مرد هستیم. باتلر هجو را استراتژی کلیدی در براندازی



جنسیت می‌داند. او به لباس زنانه به منزله‌ی نمونه‌گویی از توان بالقوه سرنگون سازی اشاره می‌کند. چون لباس پوشیدن جنس مخالف گسست و انفصال میان جنسیت آناتومیک و هویت جنسیتی را روشن می‌سازد. باتلر از این قضیه خصلت تقلیدی بودن جنسیت را آشکار میکند (سیدمن. به نقل از باقریان، 1390:291). به طور کلی در نظریات فمینیستی بر ساختار جامعه و نقش آن در توجه و وسواس زیاد زنان به ویژگی‌های زن بودن به ویژه بدن زنانه تاکید می‌کنند.

هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد. اگرچه اعتقادات و مناسک مذهبی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق می‌کند (گیدنز، 1387:514) در دوره‌ی معاصر در سازمان، محتوا و عملکرد دینی جوامع به دلیل مدرنیزاسیون (تغییراتی صورت گرفته است، بگونه‌ای که بسیاری از صاحب نظران در علوم اجتماعی با تاثیر پذیری از انگاره‌های مدرنیته افول دین و شدت یابی فرایند سکولاریسم را پیش بینی کردند. با اینهمه در دهه‌های اخیر شاهد شکل‌گیری جریان پست مدرنیسم بوده ایم که هر چند به معنای بازگشت مجدد به دین نیست اما به هر حال نشان از زمینه طرح مجدد سوال از نقش دین را فراهم نموده است (راجعیان، 1385:27). در چنین شرایطی کشور‌های در حال توسعه در معرض ورود سبک‌ها و مدل‌های جدید زندگی شده که تقلید ناآگاهانه از آن لطمه‌هایی بر بافت ارزشی جامعه خواهد داشت. دین از جمله مفاهیمی است که از بالاترین مراتب پیچیدگی و تعاریف متعدد برخوردار است. از طرف دیگر تلاش برای ارائه تعریفی از دین عمدتاً تاثیر پذیرفته از فضای عصر روشنگری در غرب می‌باشد (کینگ، 1375:57). در این چارچوب ما با یک برداشت دو وجهی از دین روبه‌رو شده که بافت اصلی آن عبارت می‌شود از: تمایز گذاری میان الوهیت متعادل و کل ما سوی، بین خالق و مخلوق، بین خدا و انسان در صورتی که در برداشت‌های غیر غربی چنین تمایزات دوگانه‌ای مشاهده نمی‌شود و در واقع در مواردی هر چیز که هست الهی تعبیر می‌شود (همان، 57-58). بر این اساس رهیافت‌های اساسی جامعه‌شناسی در مورد بررسی دین عبارتند از: رویکرد اثبات‌گرایانه، رویکرد لادریگرایانه، رویکرد عاطفه‌گرایانه، رویکرد تاویلی (همیلتون، 1377). جامعه‌شناسی دین در نیمه‌ی دوم قرن بیستم و دو دهه‌ی پس از آن چندان مورد اقبال جامعه‌شناسان قرار نگرفت. برای این امر دو دلیل عمده ذکر شده است: نخست نظریه سکولار شدن جامعه و دوم رویکرد معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه پوزیتوئیست در بین اندیشمندان این دوره بود. با این همه باید افزود با ظهور و گسترش جنبش‌های اجتماعی و سیاسی دینی در کشورهای مختلف و تاثیر گذاری این جنبش‌ها بر مناسبت‌های اجتماعی-سیاسی بین‌المللی باعث توجه مجدد به ماندگاری دین و تاثیر گذاری آن بر جامعه شده است، بگونه‌ای که از اواخر دهه 70 به این سو مطالعات اجتماعی ناظر به دین رواج و رونق پیدا کرد. از دیگر سو رویکرد‌های معرفت‌شناختی فرامردن که با اصول معرفت‌شناختی مدرن و به خصوص پوزیتوئیستی و تجربه‌گرا ناهمساز است؛ زمینه معرفت‌شناختی مناسب تری برای مطالعه پدیده‌های دینی فراهم آورده اند (سراج زاده، 1374:7).

### نظریات جامعه‌شناسی دین

با وجود آنکه کارل مارکس مباحث زیادی در رابطه با دین مطرح نکرده نقطه نظرات او تاثیر زیادی در نظریه پردازی‌های بعدی انجام گرفته در دین داشته است. به نظر مارکس دین محصول از خود بیگانگی و منافع طبقاتی بوده است (همیلتون، 1377:149) در یک جامعه طبقاتی نظم اجتماعی به عنوان پدیده ثابت و از پیش تعیین شده رفتار انسانها را تعیین و نظارت می‌کند. از آنجا که این انسانها هستند که با کنش‌هایشان نظم اجتماعی را حفظ می‌کنند، پس نظم اجتماعی در واقع آفریده‌ی خود آنها است. مارکس بیان می‌کند که ویژگی‌های خدایان چیزی جز ویژگی‌های انسانها نیست که البته به صورتی فراقنده در یک قلمرو خیالی ترسیم می‌شود. این ویژگی‌های تصور شده برای خدایان به صورت مستقل در برابر انسانها قرار گرفته و از طریق فرامین خود نظم اجتماعی را موجب می‌شوند (همان، 1381:139). درورکیم هم نظریه





پرداز دیگری است که به اعتقاد برخی بیشترین تاثیر را بر مطالعات دین داشته است. به نظردورکیم دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست و دین را برحسب تمایز میان آنچه مقدس و نامقدس نامیده می شود تعریف می کند به این ترتیب که در مرحله ی اول خود تقدس نیست که دین را مشخص می کند، بلکه تضاد و تخالف با امور دنیوی، تضادی که می توان آن را ساختاری توصیف کرد دین را به مثابه ی یک پدیده خاص تعریف می کند. بر اساس کارکرد های که دین در طول تاریخ ایفا می کرد مسئله محوری دورکیم این بود که بدانند در جامعه مدرن که ویژگی عمومی آن فردگرایی و همبستگی ارگانیک است چگونه می توان در غیاب دین سنتی تجمیع اجتماعی لازم را ایجاد کند. پاسخ وی این است که تنها می توان بر سرنوشت مقدس انسان تاکید کرد. به این معنی که تقدس بخشیدن به انسانها و اهداف آنها تنها اعتقاد اخلاقی محکمی است که می تواند در بین افراد یک جامعه فرد گرای مدرن اتحاد ایجاد کند(دورکیم به نقل از ویلیامز: 50). بعد از دورکیم نوعی رهیافت روان شناسی اجتماعی بر مطالعه دین حاکم می شود و بر اثر خود با نام «روان شناختی اجتماعی دین های جهانی» نوعی رهیافت اساسا روان شناختی در مورد دین مطرح می سازد که در برگیرنده ی هر دو مبنای عقلی و عاطفی است که ارتباط تنگاتنگی با عوامل جامعه شناختی دارد. و بر در عین حال که می پذیر میان دین و رنج پیوند بسیار نزدیکی است نظری هایی را که به نتیجه ارجاع می دهند را رد می کند. به نظر و بر مفاهیم دینی به این دلیل به وجود می آیند که زندگی اساسا مخاطره آمیز و غیر قابل پیش بینی است. همچنین میان آنچه تصور می کنیم باید باشد و آنچه که عملا رخ می دهد همیشه اختلافی وجود دارد و تنش ناشی از این اختلاف سرچشمه دیدگاه مذهبی است(همیلتون. 1381:241). و بر در ادامه مباحث خود بین عقلانیت صوری و عقلانیت ذاتی تمایز قائل می شود. عقلانیت صوری کاری با ارزش ها ندارد حال آنکه عقلانیت ذاتی متضمن مواضع ارزشی است. عقلانیت در قلمرو دین، به معنای حذف جنبه های جادویی و رفع تناقض و ابهام در راه حل های مسئله ی رستگاری است. و بر در کتاب روان شناسی اجتماعی دین های جهانی برخی از جهت هایی که افکار مذهبی در فرایند مذاکره با عقلانیت در پیش می گیرند، مشخص می سازد. به این ترتیب که هر کجا قشر مذهبی از روشنفکران وجود داشته باشد گرایش دین به سمت قواعد شخصی بوده و رستگاری قضیه ای ذاتا فردی و تنها از طریق درک صرفا معرفتی جهان قابل حصول است. و هر کجا طبقه ای حرفه ای و متخصص در اجرای مراسم و اسطوره های مذهبی وجود داشته باشد، این طبقه دین را غیر شخصی کرده و انحصار ارزش های مذهبی را در دست می گیرد و ادعا می کند رستگاری تنها با میانجی گری متخصصان امور مذهبی که کارشان سرپرستی نیایش هاست قابل حصول خواهد بود(همان. 253). با اینهمه این کلارک و استارک بودند که برای نخستین بار توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چند بعدی از دین جلب کردند. به نظر آنها حوزه هایی که می توان به مثابه ی ابعاد اصلی دین داری در نظر گرفت عبارتند از **بعداعتقادی**: باور های که انتظار می رود پیروان در آن ادیان به آن اعتقاد داشته باشند، **بعد مناسکی**: اعمال مشخصی نظیر عبادت، نماز، حضور در آیین های خاص، روزه گرفتن و... که انتظار می رود پیروان هر دین به جا آورند، **بعد تجربی یا عواطف دینی**: در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت نمایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می شود، **بعد فکری**: یا دانش دینی اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می رود پیروان یک ادیان آنها را بدانند، شامل می شود(سراج زاده. 62: 1384-65)

#### مدرنیته و سکولارشدن(دنیوی شدن)

از نظر یاسپرس در هر دوره ی تاریخی، انسان از مبانی تازه ای آغاز می کند. هر آغاز مصادف با عزل، انحطاط، ابداعات و بازسازی ها مبانی ارزشها بوده است. یاسپرس مدرنیته را دوره ارزشی جدیدی می داند که چهار اصل: غلبه ی تجربی، سلطه



آزادی فرد در ابعاد زندگی اجتماعی به ویژه دین، ورود مردم به صحنه ی تاریخ و جهان شمولی شدن امور در آن به وضوح قابل تشخیص می باشد. در قرن هجده بالاخص در دهه های پایانی قرن نوزده با رشد اندیشه علمی، پیدایش دولت سیاسی، نهادی شدن دموکراسی، بوروکراتیزه شدن جامعه و قانونمند شدن فعالیت های اقتصادی قوام یافت (شریعتی، ۱۳۲: ۱۳۷۹). در این عصر می توان شاهد تداوم سطح بالای اعتقاد در مقابل کاهش میزان تعلق به کلیسا بود، بگونه ای که اکنون در جوامع غربی شاهد گرایش های فردی و جنبه ذهنی پیدا کردن اساسی دین هستیم. این بحث با یکی از موضوعات محوری در بحث جامعه شناسی دین (سکولار شدن) پیوند اساسی دارد. اکثر جامعه شناسان کلاسیک از جمله وبر، دورکیم، مارکس به نظریه سکولار شدن گرایش داشتند و سامانه جدید و ساختارهای اجتماعی را بگونه ای می دیدند که موجب می گردد باورهای دینی تست شوند و منش دین در زندگی اجتماعی کاهش یابد (سراج زاده، ۸: ۱۳۸۴). بسیاری از متفکران غربی دنیوی شدن دین را یکی از خصیصه های بارز عصر جدید می دانند، در واقع در مورد دنیوی شدن دین در میان جامعه شناسان توافق نظر وجود ندارد. شانیر دنیوی شدن را افتراق یا بی ساختاری که طی آن نهاد های دینی و نهاد های عرفی از یک دیگر متمایز می شوند تعریف می کند. او شش معنی برای سکولار شدن بر می شمارد که عبارتند از: افول دین، هم نوایی با دنیا، رهایی جامعه از قید دین، جابجایی باورها و نهاد های دین، تقدس زدایی از عالم، حرکت از جامعه ای مقدس به جامعه سکولار (همان: ۱۳۶-۱۳۸). در حالی که ویلسون دنیوی شدن را با کاهش امنیت دین مصادف دانسته و معتقد است کاهش در نسبت زمان، انرژی و منابعی که انسان ها به علایق فوق طبیعی، انحطاط نهاد های دینی و جایگزین شدن مطالعات منطبق با معیار های فنی به جای مطابقت با احکام دینی از مشخصه های اصلی سکولار شدن می باشد (حسن مقدسی، ۱۱۴: ۱۳۸۱).

#### باریک اندامی و تصویر بدن

در یک تعریف کلی می توان گفت باریک اندامی عبارت است از ویژگی افرادی که به شکل مطلوب و جذابی لاغر هستند (فرهنگ لغت هرتیج: ۲۰۰۹). آنچه باعث می شود ویژگی های جسمانی چون لاغر اندامی به عنوان معیاری برای جذابیت افراد در نظر گرفته شود معیار ها و ایده آل های اجتماعی و فرهنگی است که جامعه برای زیبایی تعریف می کند. چنان که گفته می شود، اینکه باریک اندامی به عنوان یک ویژگی برای جذابیت زنان نزد مردان باشد به صورت یک کلیشه اجتماعی در آمده است (پاکستون و دیگران، ۶۶۵: ۲۰۰۵). اهمیت دادن به باریک اندامی فقط در استفاده از برنامه های رژیم غذایی و جراحی خلاصه نمی شود در واقع فرد ممکن است از لحاظ ذهنی نیز برای باریک اندامی اهمیت قائل شود. هر فرد بر اساس تصویری که از بدن خود دارد به تعریف وضعیت جسمانی خود می پردازد، حال آن که برداشت ذهنی از تصویر بدن به فرایند های روانی درونی شده و به احساساتی که از درون سر چشمه می گیرند بستگی دارد. در حقیقت تصویر بدن پدیده ای روان شناختی است که در عین حال برداشت ما از جنبه های فیزیکی، فیزیولوژی و جامعه شناختی خود را در بر می گیرد (اسکانلد، ۵۰: ۱۳۷۲). وقتی افراد ارزیابی منفی نسبت به ظاهر خود پیدا می کنند تلاش می کنند تا ظاهر خود را به آنچه از دید دیگران و جامعه ایده آل تلقی می شود نزدیک کنند. در نتیجه ممکن است دچار اختلالات بی اشتها و پر اشتها بی عصبی شوند. از دید گیدنز بی اشتها بی عصبی نزد دختران و زنان را باید مرتبط با تعدد انتخاب ها دانست که از دستاورد های مدرنیته ی متاخر است. در حالی که در جوامع ماقبل متاخر زنان را به نحوی از انحای از مشارکت کامل در فعلیت های اجتماعی که خود پدید آورنده ی تعدد انتخاب ها است محروم می داشتند، در جوامع جدید کنونی زنان فرصت اسمی آن را دارند که در طیف وسیعی از امکانات گوناگون شانس خود را بیازمایند. گیدنز هم چنین به رژیم های افراط آمیز زنان اشاره



می‌کند و معتقد است رژیم‌های سخت غذایی و بی‌اشتهایی عصبی مترتب بر آن در حقیقت تلاش برای کسب امنیت خاطر در دنیایی آکنده از گزینش‌های متعدد ولی ابهام‌آمیز است. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

### پیشینه تحقیق

طی سالهای دهه ۱۹۶۰-۷۰ میادی جامعه‌شناسان و روانشناسان در حوزه‌ی دین تلاش کردند به صورت تجربی وضعیت دین‌داری را مطالعه کنند (همیلتون، ۱۳۷۷) مطالعات از این‌سنگ نیازمند مصاح و ابزار بود، اما ابزاری از جنس واقعیت. در این میان برخی شاخص‌های ساخته شده برای سنجش میزان دین‌داری همچون شاخص گلاک و استارک (۱۹۶۵) خصلتی صوری داشته و توان انطباق با برخی ادیان دیگر را نیز دارند. با توجه به مباحث گلاک و استارک زمانی که از وضعیت دین‌داری سخن می‌گوییم منظور وضعیت اعتقادات دینی، مناسک دینی، تجربه‌های دینی و ابعاد پیامد دین است. در این میان در اثر گسترش فرایند جهانی شدن سبک‌ها و الگوهای جدید زندگی از طریق رسانه‌های جمعی تبلیغ می‌شود. یکی از مهمترین مسائلی که در ابعاد گسترده قابل مشاهده است گرایش به مصرف بدن و اهمیت باریک‌اندازی در روابط اجتماعی می‌باشد. از این رو تحقیقات گسترده‌ای برای سنجش ارتباط میزان دین‌داری با بدن‌داری و گرایش آنها به مصرف بدن و باریک‌اندازی انجام گرفته است. یکی از تحقیقات انجام شده در این زمینه کار آقای ناصر الدین غراب (۱۳۸۸) می‌باشد که تحت عنوان ((بررسی تطبیقی طرز تلقی گروه‌های دینی و غیر دینی به بدن)) انجام گرفته است. در این تحقیق از نظریات گیدنز، شیلینگ، گافمن، الیاس، فوکو و... استفاده کرده است. یافته‌های تحقیق به این صورت است که در جامعه ما نوعی چالش میان برون و درون یا ظاهر و باطن وجود دارد. یعنی افراد ممکن است به لحاظ باطنی دارای عقایدی باشند اما آنچه در ظاهر آنها دیده می‌شود چیزی بر خلاف عقاید درونی و باطنی آنها باشد. از تحقیقات انجام گرفته در غرب کار تحقیقی کوهن (۲۰۰۶) تحت عنوان ارائه یک مدل پیشنهادی از دختران رژیم‌گیرنده و غیر رژیم‌گیرنده‌ی دبیرستانی می‌باشد. هدف کوهن در این کار تحقیقی که به روش پیمایشی انجام گرفته فهم بهتر عواملی که باعث گرایش یا مانع گرایش دختران دبیرستانی به رژیم گرفتن می‌باشد؛ می‌داند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد پیروی کردن از ارزشهای مربوط به ظاهر بدنی، حمایت کمتر از سوی گروه همسالان، اعتماد به نفس پایین تر گرایش به هم‌نوایی بیشتر با مد روز و... با رژیم گرفتن ارتباط زیادی دارد. (کوهن ۲۰۰۶ به نقل از باقریان ۱۳۹۰: ۷۵).

فرضیه‌ها:

بین میزان دین‌داری و میزان اهمیت باریک‌اندازی برای فرد رابطه وجود دارد.

بین میزان دین‌داری و گرایش ارزش مادی به بدن برای فرد، رابطه وجود دارد.

بین میزان دین‌داری و گرایش ارزش فرا مادی به بدن برای فرد رابطه وجود دارد.

میزان اهمیت به باریک‌اندازی در بین دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشجویان دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.

میزان گرایش ارزشی مادی در بین دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشجویان دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.





میزان اهمیت گرایش ارزشی فرا مادی در میان دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.

رابطه بعد اعتقادی دین داری با میزان اهمیت گرایش ارزشی بیشتر است.

### روش‌شناسی:

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به منظور سنجش میزان دینداری و گرایش ارزشی به بدن (باریک اندامی) در جامعه مورد بررسی، از روش میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. جمعیت آماری مورد مطالعه در این تحقیق تمامی دانشجویان دختر شاغل به تحصیل دانشکده هنر، تربیت بدنی و الهیات دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۰ نفر که بر اساس ۵ درصد خطا برآورد شده است. نمونه نیز بر اساس ترکیب دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. به منظور اطمینان از اعتبار پرسشنامه از تحقیقات پیشین و صاحب‌نظران در این زمینه کمک گرفته شد. برای تعیین پایایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشان‌دهنده انسجام درونی و همسانی درونی گویه هاست که در این تحقیق ضریب آن ۰.۷۷٪ به دست آمده و در سطح مناسبی است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS در سطح آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. هدف کلی این تحقیق، بررسی بررسی رابطه دینداری با گرایش ارزشی به بدن (باریک اندامی) است. همچنین پی بردن به تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد دینداری (بعد اعتقادی، بعد پیامدی، بعد عاطفی، بعد مناسکی و بعد عاطفی) در نگرش به بدن و باریک اندامی، هدف دیگر این تحقیق به شمار می‌رود. از این رو، سؤال اصلی تحقیق این است که آیا دینداری تأثیری در نگرش افراد به بدن و باریک اندامی دارد؟ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به نوع فرضیه‌ها و داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. همچنین اساس کار برای سنجش دینداری در این تحقیق، مدل کلارک و استارک برای سنجش دینداری پاسخ‌گویان است. از این رو، میزان دینداری پاسخ‌گویان در پنج بعد اعتقادی (باورهای دینی)، مناسکی (اعمال دینی)، عاطفی (تجربی) و پیامدی (آثار دینی) مورد سنجش قرار گرفته است. و برای سنجش نگرش به بدن و باریک اندامی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است.



## یافته‌ها

### 1- متغیر وابسته اهمیت باریک اندامی

همان‌طور که در جدول 1-4 و در ستون بعد عینی اهمیت باریک اندامی نشان داده می‌شود، 25.6 درصد از پاسخگویان اهمیت زیاد-65 درصد اهمیت متوسط و 9.4 درصد اهمیت کمی به باریک اندامی در بعد عینی می‌پردازند. در بعد ذهنی 23.9 درصد از پاسخگویان اهمیت زیادی به باریک اندامی می‌دهند و 64.4 درصد از آنها اهمیت متوسطی برای باریک اندامی قائلند. همان‌طور که در جدول می‌بینیم فراوانی سطح کم برای بعد ذهنی اهمیت باریک اندامی 11.7 درصد است.

جدول شماره 1: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اهمیت باریک اندامی و ابعاد آن

بعد ذهنی		بعد عینی		ابعاد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	باریک اندامی
23.9	43	25.6	46	زیاد
64.4	116	65	117	متوسط
11.7	21	9.2	17	کم
100	180	100	180	مجموع

نتایج به دست آمده از توصیف آماری از متغیر باریک اندامی (بعد عینی) که در جدول 2-4 آمده است حاکی از آن است که حداکثر نمره ی بدست آمده 107، حداقل نمره ی به دست آمده 39 می‌باشد. همچنین مانگین نمرات مربوط به این متغیر 69.28 و انحراف معیار آن برابر 12.58 می‌باشد. نتایج توصیف آماری به دست آمده از متغیر باریک اندامی (بعد ذهنی) نشان می‌دهد که حداکثر نمره ی بدست آمده برای این متغیر 156، حداقل نمره 73 و همچنین میانگین نمرات مربوط به این متغیر 44.25 و انحراف معیار آن 6043 می‌باشد. نتایج به دست آمده در مورد متغیر باریک اندامی نشان می‌دهد که حداکثر نمره 156، حداقل نمره 69 و میانگین این متغیر 113.54 و انحراف معیار 17.77 می‌باشد.

جدول شماره 2: توصیف آماری پاسخگویان بر حسب میزان اهمیت باریک اندامی و ابعاد آن

ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
-------	-------	-------	--------	---------	--------------



12.58	69.28	107	39	160	بعد عینی
6.43	44.25	73	17	160	بعد ذهنی
17.77	113.53	156	69	160	اهمیت باریک اندامی

## 2- متغیر وابسته (گرایش ارزشی مادی)

بر اساس آنچه در جدول 3 آمده است 21.7 درصد از پاسخگویان در سطح بالا، 56.1 درصد در سطح متوسط و 22.2 درصد در سطح پایین دارای گرایش ارزشی مادی هستند. بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط می باشد.

جدول شماره 3: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گرایش ارزشی مادی

درصد	فراوانی	گرایش ارزشی مادی
21.7	39	بالا
56.1	101	متوسط
22.2	40	پایین
100	180	مجموع

نتایج توصیفی در مورد متغیر گرایش ارزشی (مادی) که در جدول شماره 4 آمده است نشان می دهد که حداکثر نمره کسب شده 83، حداقل نمره کسب شده 31 می باشد. همچنین میانگین نمرات 53.85 و انحراف معیار 12.91 می باشد.

جدول شماره 4: توصیف آماری پاسخگویان بر حسب گرایش ارزشی در جدول شماره 3

ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معنادار
مادی	160	21	84	53.85	12.91

## 3- گرایش ارزشی فرامادی

همانطور که در جدول 5 می بینیم درصد 3.3 درصد از پاسخگویان در سطح بالا، 11.7 درصد در سطح متوسط و 73 درصد در سطح پایین قرار دارند.

جدول شماره 5: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گرایش ارزشی فرامادی



سطوح	فراوانی	درصد
بالا	18	3.3
متوسط	21	11.7
پایین	133	73

نتایج توصیف آماری در مورد متغیر گرایش ارزشی (فرامادی) نیز که در جدول 6 آمده است نشان می‌دهد که حداکثر نمره کسب شده 45 و حداقل نمره 15 می‌باشد. همچنین میانگین نمرات 27.05 و انحراف معیار آن 5.76 می‌باشد.

جدول شماره 6: توصیف آماری پاسخگویان بر حسب گرایش ارزشی فرامادی

گرایش ارزشی فرامادی	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
فرامادی	180	15	45	27.5	5.76

#### 4- متغیر مستقل (دینداری)

نتایج توصیف آماری در مورد متغیر دین داری که در جدول 7 آمده است نشان می‌دهد که حداکثر نمره ی کسب شده 112 و حداقل نمره 44 می‌باشد همچنین میانگین نمرات 69.27 و انحراف معیار آن 12.64 می‌باشد.

جدول شماره 7: توصیف آماری پاسخگویان بر حسب میزان دینداری

آماره ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
دین داری	180	44	112	69.27	12.64

#### 5- مولفه های دینداری (ابعاد دینداری)

همانطور که در جدول 8 و در ستون اعتقادی مشاهده می‌شود 56 درصد پاسخگویان در سطح بالایی از اعتقاد دینی قرار دارند. 39.9 درصد در سطح متوسط و 3.9 درصد سطح پایین قرار دارند. همچنین با توجه به آنچه در ستون مربوط به بعد عاطفی می‌بینیم 64 درصد از پاسخگویان از نظر بعد عاطفی دین داری در سطح بالایی قرار دارند. 32 درصد در سطح متوسط و 64 درصد در سطح پایین قرار دارند، درمورد بعد پیامدی دین داری 29 درصد از پاسخگویان در سطح بالا و 66 درصد در سطح متوسط و 4 درصد در سطح پایین قرار دارند و همچنین در مورد بعد مناسکی دینداری 52.2 درصد از پاسخگویان در سطح بالایی به بعد مناسکی و دینداری توجه دارند و 47.2 درصد در سطح متوسط و 6 درصد در سطح پایین هستند.

جدول شماره 8: توزیع فراوانی بر حسب مولفه های دین داری





مناسکی		پیامدی		عاطفی		اعتقادی		مولفه ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
52.8	94	29	53	64	116	56	102	بالا
47.2	85	66.7	120	32	59	39.4	71	متوسط
6	1	3.9	7	4	5	3.9	7	پایین
100	180	100	180	100	180	100	180	مجموع

همان طور که در جدول 9 نشان داده شده است نتایج توصیف آماری درمورد بعد اعتقادی نشان می دهد که حداکثر نمره ی کسب شده 33.4، حداقل نمره 8 می باشد همچنین میانگین نمرات 16.46 و انحراف معیار آن 2.93 است. نتایج توصیف اماری بدست آمده از بعد عاطفی نشان می دهد که حداکثر نمره بدست آمده برای این بعد 30 و حداقل نمره 6 می باشد همچنین میانگین نمرات 13.18 و انحراف معیار آن 4.40 می باشد. نتایج توصیف آماری بدست آمده از بعد پیامدی دین داری نشان می دهد که حداکثر نمره بدست آمده برای این متغیر 30 و حداقل نمره 6 می باشد همچنین میانگین نمرات مربوط به این بعد 22.91 و انحراف معیار 3.68 است. نتایج توصیف آماری درمورد بعد مناسکی نشان می دهد که حداکثر نمره ی کسب شده 48 و حداقل نمره 10 می باشد و همچنین میانگین نمرات 22.91 و انحراف معیار 6.74 است.

جدول شماره 9: توصیف آماری پاسخگویان بر حسب مولفه های دین داری

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	مولفه های دین داری
2.93	16.46	33	8	180	اعتقادی
4.40	13.18	30	6	180	عاطفی
3.68	16.18	30	6	180	پیامدی
6.74	22.91	48	10	180	مناسکی

#### 6-آزمون فرضیات

در این بخش به منظور تایید یا رد فرضیه های پژوهش از آزمون های آماری مناسب هر فرضیه ، استفاده نمودهایم که نتایج آن به ترتیبی که در زیر می آید ارائه داده شده است.

**فرضیه اول :** بین میزان دین داری و میزان اهمیت باریک اندامی برای فرد رابطه وجود دارد.



انتظار می‌رود بین دو بعد اهمیت باریک اندامی و میزان دینداری رابطه وجود داشته باشد. به منظور بررسی وجود رابطه بین متغیر دینداری و اهمیت باریک اندامی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کردیم که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ آمده است. با توجه به نتایج جدول ۱۰ میزان همبستگی بدست آمده بین دو متغیر دینداری و اهمیت باریک اندامی ( $R=-0/123$ ) می‌باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/100$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار نمی‌باشد. با توجه به نتایج جدول شماره ۱۰ میزان همبستگی بدست آمده بین دو متغیر دین داری و اهمیت بعد عینی ( $R=-0/144$ ) می‌باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/053$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار نمی‌باشد. با توجه به نتایج جدول شماره ۱۰ میزان همبستگی بدست آمده بین دو متغیر دینداری و اهمیت بعد ذهنی ( $R=-0/039$ ) می‌باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/601$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار نمی‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت فرضیه ما تایید می‌شود و دینداری با هیچکدام از دو بعد اهمیت باریک اندامی رابطه ندارد.

جدول شماره ۱۰: آزمون‌های آماری برای فرضیات

اهمیت بعد ذهنی باریک اندامی		اهمیت بعد عینی باریک اندامی		اهمیت باریک اندامی		متغیر وابسته
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر مستقل
0/601	0/039	0/053	-0/144	100	-/123	دین داری

**فرضیه دوم:** بین میزان دین داری و گرایش ارزش مادی به بدن برای فرد، رابط وجود دارد.

انتظار می‌رود بین دین داری و دو بعد گرایش ارزش مادی افراد نسبت به بدنشان رابطه وجود داشته باشد. به منظور بررسی وجود یا عدم وجود رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به نتایج جدول میزان همبستگی بدست آمده بین دو متغیر دین داری و گرایش ارزشی به بدن ( $R=-0/051$ ) می‌باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/497$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دین داری و گرایش ارزشی

گرایش ارزش مادی به بدن		متغیرها
معناداری	همبستگی	دینداری
0/497	-0/051	

**فرضیه سوم:** بین میزان دین داری و گرایش ارزش فرا مادی به بدن برای فرد رابطه وجود دارد.



جدول شماره 12: آزمون همبستگی در بررسی میزان دین داری و گرایش ارزش فرامادی به بدن

متغیر وابسته		گرایش ارزش فرامادی به بدن	
دینداری	همبستگی	سطح معناداری	
	0/760	0/000	

نتایج جدول میزان همبستگی بدست آمده بین دو متغیر دین داری و گرایش ارزش مادی ( $R=0/760$ ) می باشد و با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/000$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار می باشد بنابراین این فرضیه سوم ما مورد تایید قرار گرفت.

**فرضیه چهارم:** میزان اهمیت به باریک اندامی در بین دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشجویان دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.

با توجه به نتایج جدول شماره 13 میزان  $f$  بدست آمده بین دو متغیر ( $f=6/24$ ) می باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/002$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار می باشد

جدول شماره 13: آزمون تحلیل واریانس در بررسی میزان اهمیت باریک اندامی در بین دانشکده ها

sig	f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	باریک اندامی در بین دانشکده ها	
002/0	24/6	48/1857	2	97/3714	بین گروهها	باریک اندامی
		29841	177	66/52819	درون گروهها	

**فرضیه پنجم:** میزان گرایش ارزشی مادی در بین دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشجویان دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.

با توجه به نتایج جدول شماره 14 میزان  $f$  بدست آمده بین دو متغیر ( $f=4/84$ ) می باشد که با توجه به معناداری ( $\text{sig}=0/009$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار می باشد. بنابراین فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

جدول شماره 14: آزمون تحلیل واریانس در بررسی میزان اهمیت گرایش ارزش مادی

sig	f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	گرایش ارزش مادی	
0/009	4/84	775/01	2	33/1550	بین گروهها	ارزش مادی
		159/97	177	91/28314	درون گروهها	



فرضیه ششم: میزان اهمیت گرایش ارزشی فرا مادی در میان دانشجویان دانشکده هنر بیشتر از دانشکده الهیات و تربیت بدنی است.

با توجه به نتایج جدول 15 میزان  $f$  بدست آمده بین دو متغیر ( $f=6/25$ ) می باشد که با توجه معناداری ( $sig=0/002$ ) در سطح  $P<0/01$  معنادار می باشد.

جدول شماره 15: آزمون تحلیل واریانس در بررسی میزان اهمیت گرایش ارزشی فرامادی

sig	f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
0/002	6/25	196/42	2	392/84	بین گروهها	گرایش فرامادی
		31/39	177	5556/60	درون گروهها	

فرضیه هفتم: رابطه بعد اعتقادی دین داری با میزان اهمیت گرایش ارزشی بیشتر است.

با توجه به نتایج جدول شماره 16 میزان  $f$  بدست آمده در بین متغیرها ( $f=2/15$ ) می باشد که با توجه به معناداری ( $sig=0/076$ ) در سطح  $P<0/05$  معنادار است. از این رو نتیجه می گیریم که گرایش ارزشی توانسته است 0/47 درصد کل واریانس دینداری را پیش بینی کند.

جدول شماره 16: آزمون رگرسیون در بررسی ابعاد دینداری با گرایش ارزشی

sig	معناداری	f	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	
0/047	0/076	2/15	350/49	4	1401/98	رگرسیون
			162/64	175	28462/96	باقیمانده

نتایج بتا در بررسی ابعاد دینداری در جدول شماره 17: آمده است.

sig	T	Beta	B	
0/000	6/002	-	45/10	مقدار ثابت
0/983	-0/022	-0/004	-0/010	اعتقادی





0/209	1/26	0/148	0/434	عاطفی
0/024	2/72	0/207	0/724	پيامدی
0/519	-0/642	-0/126	-/129	دینداری

بحث پژوهش حاضر پیرامون دین داری و گرایش های ارزشی افراد و میزان اهمیت شان به باریک اندامی می باشد. امروزه گرایش ارزشی افراد نسبت به بدنشان و همچنین در این راستا میزان اهمیتی که به باریک اندامی می دهند به ویژه در میان دختران جوان تغییر زیادی کرده است. آن چه در تحقیق حاضر به طور خاص مورد تاکید قرار گرفت، تاثیر میزان دین داری افراد بر این دو متغیر (گرایش ارزشی افراد و میزان اهمیت باریک اندامی) بود. در واقع از نظر میزان دین داری در سطحی قرار دارد که گرایش فرد نسبت به بدنش را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین این امر می تواند میزان اهمیت باریک اندامی را برای او تحت تاثیر قرار بدهد. در ادامه به نتایج به دست آمده از تحقیق اشاره می کنیم.

#### بحث و نتیجه گیری

در جمعیت نمونه بر حسب اهمیت دادن به باریک اندامی در دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفتند نتایج به دست آمده در مورد بعد عینی حاکی از آن است که 65 درصد جمعیت نمونه در سطح متوسط به باریک اندامی اهمیت می دهند. همچنین 9.4 درصد اهمیت کم و 25.6 درصد از پاسخگویان اهمیت زیادی به باریک اندامی می دهند. در مورد بعد ذهنی پاسخگویان 64.4 درصد پاسخگویان به باریک اندامی اهمیت متوسط می دهند و 23.9 درصد آن ها اهمیت زیادی برای باریک اندامی قائل هستند. نتایج به دست آمده در خصوص متغیر وابسته دیگر تحقیق یعنی گرایش ارزشی در بعد مادی نشان می دهد که در سطح متوسط 56.1 درصد و در سطح زیاد 21.7 درصد دارای گرایش ارزش مادی هستند. در مورد مولفه دیگر گرایش ارزشی فرامادی نتایج به دست آمده نشان می دهد که در مورد جاذبه جنسی بیشترین فراوانی پاسخگویان 55 درصد کل جمعیت و در مورد متغیر پذیرش اجتماعی 63.3 درصد می باشد که هر دو در سطح متوسط هستند. در مورد مولفه پایگاه اجتماعی 44.4 درصد پاسخگویان در سطح ظاهر را در کسب پایگاه موثر می دانند. یک بعد دیگر متغیر گرایش ارزشی بعد فرامادی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که بیشتر جمعیت نمونه در سطح کم دارای گرایش ارزشی فرامادی اند. کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح زیاد می باشد که مقدار آن 10 درصد می باشد. نتایج به دست آمده در مورد مولفه های گرایش ارزشی فرامادی نشان می دهد که عزت نفس بیشتر پاسخگویان 63.9 درصد در سطح متوسط قرار دارند. کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح پایین می باشد.

در مورد ابعاد مختلف دین داری نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که در مورد بعد اعتقادی که 39.4 درصد پاسخگویان در سطح متوسط 3.9 درصد پایین و 56 درصد در سطح بالا به این مولفه پاسخ داده اند. در مورد بعد دیگر یعنی بعد عاطفی نیز 64 درصد پاسخگویان در سطح بالا و 32 درصد در سطح متوسط و 2 درصد در سطح پایین به این بعد دین اهمیت می دهند. در مورد بعد پیامدی نیز به بیشترین فراوانی متعلق به سطح متوسط با 66.7 درصد است. در مورد بعد مناسکی هم بیشترین فراوانی مربوط به سطح بالا 52.2 درصد است.



بخش دیگری از نتایج تحقیق مربوط به آزمون فرضیات و بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان دین داری افراد و میزان اهمیتی که به باریک اندامی می‌دهند رابطه معناداری وجود ندارد بنابراین فرضیه اول تحقیق رد شد. براساس آزمون همبستگی پیرسون رابطه ای بین دو متغیر وجود ندارد. اما نتایج حاصله در مورد ابعاد اهمیت باریک اندامی به صورت مجزا نیز با دین داری تایید کننده این رابطه نیست. یعنی نتایج حاصل از آزمون فرضیه رابطه بین دین داری و اهمیت بعد عینی باریک اندامی معناداری این رابطه را تایید نمی‌کند. آزمون فرضیه رابطه بعد دیگر اهمیت باریک اندامی یعنی بعد ذهنی با میزان دین داری وجود رابطه بین دو متغیر را رد می‌کند. نتایج به دست آمده همچنین نشان می‌دهد بین دو متغیر گرایش ارزشی مادی به بدن و میزان دین داری فرد رابطه وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون معناداری رابطه این دو متغیر را رد می‌کند. آزمون‌هایی که برای تعیین رابطه مولفه‌های گرایش ارزش مادی به بدن با میزان دین داری انجام شد که نتایج حاصل نشان می‌دهد رابطه مولفه‌های جاذبه جنسی به جنس مخالف و کسب پایگاه اجتماعی و پذیرش اجتماعی با میزان دین داری معنادار نیست. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه رابطه دین داری با گرایش ارزشی فرامادی افراد به بدن رابطه وجود دارد در این باره آزمون همبستگی پیرسون معناداری رابطه دو متغیر را تایید می‌کند.

فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد تایید قرار گرفتند: نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که میزان اهمیت به باریک اندامی در بین دانشجویان دانشکده هنر بیشتر است که این امر با توجه به محیط خاص درسی آن که در معرض ارزش‌های جدیدی قرار دارد را شاید بتوان توجیه کرد که این خود می‌توان فرضیه‌ای برای تحقیق باشد. همچنین این فرضیه گرایش ارزشی نسبت به بدن در بین دختران دانشکده هنر بیشتر است همچنین از طرف دیگر گرایش ارزشی فرامادی هنرها نسبت به سایر دانشجویان بیشتر است. در تحقیقات گذشته بر اهمیت دین داری در مدیریت به بدن تایید می‌شود اما در اینجا خلاف این عقیده ثابت شد که دین داری تعیین کننده گرایش افراد به گرایشاتی چون لاغری نیست. این امر می‌تواند متاثر از ارزش‌های دیگر فارغ از میزان دین داری افراد باشد که با بررسی عمیق می‌توان به این ارزش‌ها پی برد البته لازم به ذکر است که روش پیمایشی تنها روش در پژوهش‌های اجتماعی نیست احتمال این هست که با روش‌های مردم نگارانه خلاف آنچه در این تحقیق به دست آمد را ثابت کرد. در این تحقیق میزان اهمیت باریک اندامی برای زنان در سطح متوسط قرار دارد. البته باریک اندامی تنها یکی از مولفه‌های مدیریت بدن است که می‌تواند در واقع اهمیتی که افراد به باریک اندامی می‌دهند تنها بعدی از مدیریت بدن است و رد شدن رابطه این بعد با دین داری لزوماً به معنای عدم وجود رابطه نیست.

#### منابع

1. ابادری، یوسف علی (1381)، الیاس و فرهنگ متمدن شدن، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، شماره 19.
2. ابادری، یوسف علی، حمیدی، یوسفی (1387)، جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای از مناقشات پژوهش زنان، دوره 6، شماره 4.
3. احمد نیا، شیرین (1384)، جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
4. اخلاصی، ابراهیم (1386)، مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن: مطالعه موردی زنان شهر شیراز، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
5. اسمارت بری، میشل فوکو (1385)، ترجمه لیلیا جو افشانی و حسن چاوشیان، تهران، اختران.



6. افخمی، بهنام(1387)، تبلیغات تجاری و ارزش های فرهنگی در مجلات خانواده، فصلنامه رسانه، سال 19، شماره 57.
7. اینگلهارت، رونالد(1373)، تحول جوامع در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
8. باقریان، معصومه(1390)، بررسی گرایش های ارزشی معطوف به بدن و رابطه آن با باریک اندامی در بین زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه شاهد.
9. باکاک، رابرت(1381)، ترجمه خسرو صبوری، تهران، انتشارات شیرازه.
10. بیبی، ارل(1385)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی(نظری و عملی) ترجمه رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، جلد 1.
11. بوردیبار، ژان(1389)، جامعه مصرفی: اسطوره ها و ساختارها، تهران: ثالث.
12. بوردیو، پیر(1384)، شکل های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، تهران، نشر شیرازه.
13. بیرو، الن(1375)، فرهنگ علوم اجتماعی ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
14. پورآقاجان، شبنم، آزادفلاح، پرویز عطری، علی(1387)، بررسی سطح تحول من و گرایش به جرتحی های زیبایی، مجله علوم رفتاری، دوره 2، شماره 1.
15. ترنر، برایان(1386)، شرق شناسی، پسا مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه سعید وصالی، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
16. توسلی، غلام عباس(1384)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، نشر سمت.
17. جلالی پور، حمید رضا و محمدی، جمال(1387)، نظریه های متاخر در جامعه شناسی.
18. جلبی، مسعود(1385)، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی.
19. جواهری، فاطمه(1387)، بدن و دلالت های فرهنگی- اجتماعی، پژوهش نامه فرهنگی، سال 9، شماره 1.
20. چاوشیان، حسن(1387)، سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
21. چاوشیان، حسن، تقی، آزاد امکی(1381)، بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه شناسی ایران، دوره 4، شماره 4.
22. حمیدی، نفیسه(1387)، بدن زنانه و زندگی روزمره، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
23. خواجه نوری، بیژن و مقدسی، علی اصغر(1388)، رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی شدن: مطالعه موردی: زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان، مجله جامعه شناسی کاربردی، شماره 33.
24. دواس. دی. ای.(1376)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
25. دورانت، ویل(1379)، تاریخ تمدن، جلد 1، ترجمه احمد اوام و دیگران، تهران، آموزش و انقلاب اسلامی.
26. ذوالفقاری، ابوالفضل(1387)، رابطه میزان دین داری و نوع نگرش به ارزش های دموکراتیک، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.



27. رابرتسون، دونالد(1382)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات روستایی.
28. راجعیان، محمد(1385)، رابطه میان دین داری و مدیریت بدن در بین جوانان 17 تا 32 سال، پایان نامه دوره کارشناسی، دانشگاه شاهد.
29. رفیع پور، فرامرز(1379)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات روستایی.
30. ریتز، جورج(1383)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، مشهد، انتشارات علمی.
31. سارو خانی، باقر(1377)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم اجتماعی . مطالعات فرهنگی.
32. سراج زاده، ید حسن(1389)، چالش های دین و مدرنیته- مبحث جامعه شناسی در دین داری و سکولار شدن، تهران، نشر نو.
33. سرمد، زهره بازرگان، عباس، حجازی، الهه(1384)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، آگه.
34. شجاعی زند، علی رضا(1380)، دین، جامعه، عرفی شدن- جستارهایی در جامعه شناسی دین، تهران، نشر مرکز.
35. شریعتی، علی(1371)، مجموعه آثار ج 14 و 16، تهران، قلم.
36. عمید، حسن(1364)، فرهنگ عمید، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
37. غراب، ناصرالدین(1388)، بررسی طرز تلقی گروه های دینی و غیر دینی نسبت به بدن، پایان نامه دکتری جامعه شناسی نظری-فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
38. فاضلی، محمد(1382)، مصرف و سبک زندگی، تهران، صبح صادق.
39. فرزانه، حمیده(1386)، زنان و فرهنگ بدن: عوامل موثر در گرایش به جراحی های زیبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی.
40. فریدمن، فچین(1383)، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، انتشارات آشیان.
41. فکوهی، ناصر(1382)، تاریخ اندیشه ها و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی.
42. فوکو، میشل(1384)، اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران، نشر نی.
43. کوزر، لوئیس(1382)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علم.
44. کوئن، بروس(1379)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، نشر سمت.
45. گافمن، اروینگ(1386)، داغ ننگ، چاره اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیان پور، تهران، نشر مرکز.
46. گیبنز، جان و بوریمر(1381)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه مسعود انصاری، تهران، گام نو.
47. گیدنز، انتونی(1388)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
48. لطف آبادی، حسین(1384)، روان شناسی رشد(2)، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، انتشارات سمت.
49. محدثی، حسن(1381)، دین و حیات اجتماعی، تهران، نشر فرهنگ و اندیشه.





50. محسنی، منوچهر (1376)، جامعه‌شناسی پزشکی، تهران، طهوری.
51. مزلو، ابراهام (1374)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
52. نصرتی، شیما (1387)، رابطه میزان دین‌داری و سبک زندگی در میان جوانان تهرانی، پایان‌نامه دوره کارشناسی، دانشگاه شاهد.
53. ویلن، تورستین (1383)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
54. همیلتون، ملکم (1383)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، موسسه فرهنگی، انتشارات تبیان.